

ربای فانهای امروز عدوات من مندرای راسفاره فانه

علم خانه داری

على خاد واى عبايت وزعاما فكي معدد وافياعلى و اصول است م براى رقب امر ها واوه بار مره و وزن كد بازس ميكذ آنيز زاميكروس وعلى واد وبدو ازبر و خط واشتابي ورايام وظيد برزك مزوا جشأب ورزووم اخ وشكلات كايش دانيلا بريس كند كآلكبنوار داي برار مغ آنهايدا بزده ونعت مهيمي سعابات اصول علم فان دار طرح كمذ . ين نفير اين لل كدمام فام واراكانت ورفيها مذوريت وكمري بزيد را جدا زميث برل وجال مية رفت باربرود بيهر ما صدل اور روط بمزو ما ايام وهد . برزن كديوابر بغيد مزوعل مد بايراز امال ميان منذ شفى ارش مركب برا كالمنش وطعات متنصرال والشدع لترت أبكد مطبق والعدبيداش ومرفا والما ولن والمنظماره ورساني رون الحاق وسنس باسهادوانم ويكر زندك رابزي زام آورد . وعران بران وامروز ون وديد طرت منسل سكند وسائند م إير زوامر برت واحد عازاده وعالمه اى توند مانم ال بير فالدوار وم زيادى والله وترم مزل الإعلى واليرند منة وكد فعظ بزائدل واعد ووسور كر إين علم فناعت كرده وبر نياميالت نايد كما مربر مزل سدايم وازبركس بيتر إسلوات مديد اشا أ وارم . خامنها باید بداند که فول ازم موادی ترکیب شره گیرم وربران برای وارووی اعال راانی مید به بر زن بوال ادام است بوروش برن ایست دیدو و اصرعلی آف را بار سبرو والابهاشة بهاب وفترا رساير الور مربوط بجانة وارئ عائل خالك ك ن ح شيدا عنذا كافارا ده اى ما بهده دارند بايد الترير زع ورال را بدانده

ما مظ روای برارد تمین و تمیدات کربرای مقل اجرات ما ند . علم خاد داری مربط به محت لی داختی تب خاز ۱۱۵۱ است ، این آن رای دان مبرتهای زیری تعیم کرد ا

١ - طرز تزعما وترتب الاب

٢ - ششتووياكيزك باس ويروي

اع - جزاك وعلم عزداك ورى .

· 5550011 Gaz - +

· , w, tu, ~ 0

ر نه باید معدی آن مزائیر و کد با انتقد مانی کران ، تشیری ما بل و مروز جوی وری مروان و دان ، مرتب روش نکر و مرت ری مذا کار شود:

خزاده بکل ا ترزی و بزری داید را بایده دارد دعبارت ازبروی و برانده ما دراد دعبارت ازبروی و بران در دورد ما دراد می باشد و براند در دران در براند دهد می در برد در برد در در بارد دهد می در برد در برد در در بارد ده در برد در بارد در برد در بارد در برد در بارد در برد در بارد در بارد در برد در بارد در بارد

(ا) عدد داد ال مار کی خاند داری و واده شان آن عام بعن اعللمرود

ود) بير ركرون آن شريب ونظم ورهايت مبندا اصفاد ورقام كاريا

و تنفيع به هذا جدروش دا بد بين گرخ وجد نع فذا كافى را درجد مر افتى آكاده سازند و معاوه برايين جواره افتضاد و مرده جوئى دا رعايت كنند وكرميكر بي ند برر مغاب راوين تربر نزل داشق دبر خارند زيرا زن مرده جو بزركتر يو سرايد و تنفق براى مرد محدوب ميشود .

ا طلع ما دران از دری به داری و آن ا منازه از بهداشت کدر وط برخاید آن نت تاکیشر نماوی در رشد و نو و بر ویش کردهان دار و ما در دا و را و آن نایا مول بردرش دزاد و کرکال موکز بهر داری را برای بودک رت ن نواند ته داد زیر با روش مراحب اطفال نار نای نیکیدن .

به دری که ازداند رهایت اصول بهراش و بروین بران اطلاع داشته بایند ۱۱: بهای اطرابیت کودکان مؤدرامبر رمکند با مال درزش رتب بیرداد و وجواره اصل بهاشت را درنظر گرفته و برخات آن دین ترکب نشوید

ای رای رو مرک براران باربرتر از در بی کهند جرزارت . بی معرم منته که شنا مانی واطعاع از ترایی علم خان داری ، را ان را در ترمی و زیال ما در ترمی و زیال ما در ترمی و دری بال مراک را در ترمی و دری بال مراک که با دری بی را دارای می گیر د و دس می ال

T

٢ - برخ وبيان على برمزل كو در آموز عليه بدريس ميتود وبير دكرون آمن بيل

م یہ سے بین من آئی بر کلید برزی کد بھرون وار فر و گفتگر از امہیت زان درج مدان ن . بیرن نام مبارکنسٹ کر بد زم رسائی ہی بین شرع واطفال مؤورا فراج آکورده وفائن مربوط بن مذوری ما ابنی و مبر ، درا مال عزد براره دست لازم بخرج داوه ورز نیزم ہریائی کی گر کاگری موش نی بی برای فرائی معین سازد و مسؤلیت برزک عزد را شاخد وال زیر ابر آل شار خال کاند

د ن ورز من بدن با نوان روزش بدن با نوان برای برگری دندن کر مرآمن فکم

رون دوانواه وسع کورنگ دونوان کونهای دردی مبدل شده و در صورت مات در در در در در در در در از بر مورد با المایات در در با دارد با در در در با دارد با در با در

ولا آلفتر منابر مؤتب عال بود كمهل آيده از نظرا و الوث وبرب كبنيم نعظد

یمی در درزشهای درد و مال و در درورش بدن بازان طرید خام و دکوی مند در درزش بدن بازان طرید خام و دکوی مند مند مند مند من بازان طرید خام و دکوی مند و در مند در انتران مند و در مند مند و در مند در در

لا ازس ما کلی بعد اند باق است کربیا و این استوار بنروه و بداخته نده باند رجین جت عزد در صدد رفع این سعایی بر الده و دای را بیش بای فانمی گذاشته و یک با تعقیب آن درای جوان اداد یافته و درس ساکش شعلی نیتود و این روش را بیترای بینطری فرمت مزد و دو با بدی تام عضلات جی مزو را بیشنای و دارد این به بای بای بیشر و در این بی مزو را بیشنای و دارد دا با بدی تام عضلات جی مزو را بیشنای و دارد دا با بدی تام و دارد دا با بدی تام و دارد دا با بدی تام داد با بدی تام دارد دا برا با بیم و در دارد دا با بیم دارد دا با بدی تام دارد دا با بدی تام دارد دا با بدی تام دارد دا برا با بیم و در دارد برک دارد کاه باشم می ایس تام ده این دوشن در برا دات

١- ١٠٠٠ ١٠٠٠

٢ - طرية منع بري

زرا بدن ا بنكلی درخ اصر آند كه خومان بخواسی و برزع كه عضدات رابرویش دبیم بهان طرف خراه درخ است ، میشدرت مای دات ، نام كی صاف این دای در در بیم بهان طرف خراه در نیم به در نیم ب

بن بالريان باين مرمنع روان دور والله المرا فالذائ بهت سيد متايل مدوات

استان موائر با وراد وت واده وبازواوا بيدا كالمرسود المان موال مرادن المراف مراد والمرابع بالمان ومل مرادن مول مرادن مول مرادن مول مرادن مول مرادن مول مرادن مروم أن ويازت والمره خده ولي اين رايز باير ورنظ واشد باشكر من با والمار عدم روات و كار موان ميل به ن فاته منوا هود مهزيرت ملك ملك من فاته منوا هود مهزيرت ملك ملك من فاته منوا هود مهزيرت ملك ملك من فاته منوا هود مهزيرت ملك

いっこうかいかっこうい

۴ - مرقع راه رفاق نیز بایراز فر کودن زاند بعد افزاط دوری کرد و بهتر آن است شهان میند برداشته و باراند بیخ ران بهر داد شدند زاند ۱۰ ین علی دشته هود درزش برای مصفات باسیما شر بکدر شکل حرکت نیز زمانتر میشود-

۴- و قد که مبزا بران کی عبن بخند اسرخود را فر کرند سررارات فاها شه و آ به آید تر درارات فاها شه و آ به آید تر تا مین مین را گذوره و حوا را با فل دیراً فروبرید .

۵- در راه رفاق سرمز درا بانی میداد مر وزین نگرید ، بکد سرره رات در امتراد بدا ترار د بد وجیشه متر به جوی روتیان باشد .

(V)

ا سرار زبیائی

بهاری از فانی از بر مرده متری وجی وزدگی چهره مؤد شکایت دارند وای ا بر تکن است دربن مرای و قبل از وعد معین و مول مؤد ا آفا ق بیفته ، بیمی اوقات برا مطه نقرقات بهوده که فانه و بهره فرد میره فرد میره فرد مین و مول مؤد ا آفا ق بیفته ، بیمی اوقات برا مطه نقرقات بهوده که فانه و بهره فرد من بیره و زاش من و این مرد می این و می اینکه بنا ب می می این و اخل کام و یا عدم و تیم برزش مردت و النت ، مقطع نظر از علت و سب بیدایش آن بر فانی یا به یا و بگر دکه از مورت مواف و و اینکه با می درزان نزم از می و برای و برای می نزم که و برای و برای و برای این امرای در و می مودا عصاب برنم ده و برای می مود و می مود می مود می مود می مود می مود این امرای کذبه و میدت سمیز آسی خود اعصاب برنم ده و برای می مود و می مود می می مود می م

برطرت ما فتي على عزردي



۲ - روی دَک بنیم یا بند رو رو مال که دت کشیره و بطرت زا راکی برید،
بنت فرناشد واگر کل باشد مکس این عمل ماین اجرا کنید بین از عقب فرونیر
دسیند را بطرت جلو با درید این عمل را ۱۰ بار کر ار فائید

س - بن الا داست با شدوكان خامره تابت . زادا را آرست بطرت جوفر مازم ولى درنیت فردگل بسیان و درن ند ارد حال دایدی خارج مگردد ، سیس بنگل دورید باید ای عمل را بزر مه مرد مکراد کمید

عرب رات بابستد ، بالمالم جما بنده وكام رامزو برم و وست لم رادرامداد من بالمندوبس تعت بالاى جال واجه ولى يهيج اسنا من بيلا فرمازي و مربايد ورقام اين وك ل بن دودت مرد رداشة وتانجا كركت عندات بيت مراجد ورقام اين وك ل بن دودت مرد رداشة

جري على كى دونا شر بايد وبدا بست بر ميزم وجرل را بالد منتن ور ا كررم .

64

الكاهداشة والرسيمكرة ويدت بالا منظ أل أ الى كانت.

طرز قال هداری و هنفه موخود یکی در اسراری سیسان که موشکلی را چیدی برابرمیکند با بسی در روب اول عام و رواز آرایش و و صنعی که با ساختان صورت او تناسب وارد دخت کوده و شره حین برای آ رایش آی در نفل بگیرد زیرا بوی سر هر خام میبایستی مده بی آموب ساختان بیره اش آرایش با و موجه با برای آرایش کا خوب با برای آرایش کا خوب با برای آرایش کا خوب میده ند نشید معکومی می بخند و به برای ایکله چره را در بیکاند آرا ای ریخت و نا متناسب عبوه میده ند منده مناه کا خان کا در در در در در و و در در در جو و عیب ساله کا خان کا در کرد ای که مردی کی متب سرای و در با بین مورت کی عیب سرای و در با بین مورت کی عیب با لدند و با بیب میگاه خاب مورد بیت برده و بیش گرش تر از داد در در اعرفیسین موردی بر و در عد و در میرو میرو میش گرش تر از داد در در اعرفیسین موردی بر و در عیب برده و بیش گرش تر از داد در در اعرفیسین موردی بر و در عد و مورت کا مله فیر طبیعی بغارمیرسد و

رمنی این است که برسید موسی جره را جبرای کرده و با مزر دو مولای اطرات سرو مرار داده ای بر روی بیشان وروی شفه زیبای عزد را منف کسید

خام جرا ن که موکی وق العاده متفکی داشت نزدین آمره و تفاضا کرد درس ی برای آرانی موی اوج هم با وجود که بن مث طد بندوم بندریت توجی را برواشد و موی سیاه و بلند اور اکد با بند اور اکد با با از طره از را به با از طره از را به با از طره از را به با از مراه و را به بندوس بعری زبان او بود مرت کردم که صد برا بر زبان و دولر با تر را در و کاندع تقادل و تناسب مندوس بعری اد فراه و تناسب مندوس بعری اد فراه و تناسب مندوس بعری اد فراه و تناسب مندوس بعری و تناه و تناسب مندوس بعری اد فراه و تناسب مندوس بعری و تناه و تناه و تناسب مندوس بعری و تناه و تن

سارد بنان بن وين مين ويكن زيادى بست جلى مو مد هند بطريكم روى ين في آ

ر استی وکا هداری مو __ موی سرکمی از اسباب من زبانی وجال زن است بما نظر کدک کابونه شی ناید آب سرونهائی است جره فانها نیز منت موی متناب وزبانی سبا شدک آن دازینت وجهه وید . خانها و بس ترقیم مینوس بعرز آزایش موی خرد کنند شعا میشد آرایی د

(10)

اما زه ای برشده مؤو دا کانکه داری با ن کو آه بستند خایدی عبوی سردا نربزنند زیا در اندرت بينان كاملاً برمنيه مده ديكلي ميان اصلى صاحبتى رامني ميدارد - عده اى ميال سكند دردن مروشناه ، مناه كياد) برديان مرت مازام : اين عقيره تا اندازه ای صبح و ست وکل بنتری باز مورا مود این و دیگر دفتر بایس سیدارد مولش دوبری سكذاردة زت استكر وتبزي سابات مودى نبخند ، و بزركترى بزنك عالم ازركان آن

در ابنیات کدمیزایم یک نفیدت حیان و گرانها بدوشرانان و فانها بکتم : فانها ی فرم اگر مرى شارمنة رفعة زك عليعي خودرا ازدت ميدهد ورنگ أى برگشة ملى لكى واستياستود برای زار از بیری وبرای دانوشی خودگان لازمات که بوسید ادوبه شیانی رنگ آنزا مخروصه ولی در طراقان و خانب ی جران که متم بقرم دا مد ۱۱ را د منالکرده دیوی و در ابرصب رک بهرازن طبی می ، وال بوطی و ایرانیت رنگ بر تنال یا ترفر یا سایر زگل د تن بصورت زبيان في في في مكر بعكر يو وازف وإلى على ميكدة فانها با بي بزك الليلى موی خردتنافت کرده وابرا ورآن نقرنی کنند دیرا دک موشه سب بارنگ صورت فاق شرمات، ری کردن یکان عالمیت از برای موزاندن ساز و مودم. وبهت وزبائ موبسة بعرز آرايش وباكنوه تكاهداشت آن بباشر و ملعنى بالنير کرن کردن مو مزین دیا ل طبی ظاہری صورت رابرطات یکند بلک در راکوت در کردن

ويتروع بريزش ميكند .

الا وفيا ما طبى ف ل مدعية كه فانها ي جوا شكه تنها بعرت تعليد موى مؤدرا وكر دهاند وم فاصل بن مى مى دول لكى كل وتاس شدهد

يردونك مرت مردا الماسروي لد والر زودر ازايني اماس كرديد كريان مسده لد دورت وسقال عيد . الرجري و بنال الم الم وينال م المنال الله ودون لا وريد إرزاميند جرب تكاهدارير درموتع استهال بالكشتهاى دستنان انهاى مورا مالش بدهيد ديوريك روعن درريش آن وافل سؤو.

برای برای درخا میت مولفت یک لیورا در آب منثر ده در در ایا آی بینو ند اگر مویا ای منال رياسه وات إيك د علا سركر سرمزدوا شدة وبدي ؛ وارت آناب فلك كنداين ترتب كرمورا بن الكنان وروده الش بعدة تأكري آنة ب دمالن داده فنك كمنيه -اكرس فالعبدات درنهام تب س واب الرابويد كالمكد مرة شام زدن د جارا كال

ع ور نظر داشن فكات ون ميز الديمية مزوتان راديا عمرارير .

8 41 E

من مرسی که بارند از در این که موت دون وسیده بادان سبا مقرف با بخد کا و کلاان ی فانه سبات رشر در برستی که بارند از در این گذشت می برد وسیل دارد کا آنجا که محل زیبا این می طبعیت ماور در مرسی مزوقرار دهدوی آج نباش که ایرا در فایع از فانه وسرای فریش جهنوکند.

خامی که بزا عد رمن یت ما طرافهم مزول دارام آورد با بدمتر بسای مکات دیسی بارشد و براراه می کند تا آنها که مکن است از قابلات جرس استفاده نوده و آرزوای اور ابرآورد.

بزادی که باد و مربای شان برطبه ای که مرسید منفی آبا مور خانه رمید کی کفید و بریژه دخت واشد با شد با برای که و میشد منفی آبا مور خانه رمید گی کفید و بریژه دخت و اشد با مینی برامی مواد آباست و جابی با آنچه درا طراف منور سنا فرار گرفته است ابره برد.

مزدرا این و در فرای از کهی و کیاه فرشش ساید و سیل دارد و فق درا بای خرد مرفوزی کارات مراری و در به بهتر به این کارات مرد در او دسیده منو در به بهتر به این کارات مرد در از دسیده منو در به بهتر به این کارات مزدر ا این و در به بهتر به این کارات مزدر ا این و در به بهتر به این با بیند کاروح نظی در او دسیده منو در به بهتر به این کاران مزد از با مدهد و در این برد کاری برد با با به که بره به کاری با به مرد در ا این و در مند و در با با با به که بره به کارات با مند که بره به کارات به باید سنظار و معضود ا صلی برد کانه برد کان و در ما در این به بین که برای با با مند که بره به کان است برشر منوری باری با با در داد و اساس کایلی و در فرد باید .

ایک دراین ما طرید ای برای سربز نگاهداشتن کیایدا وگلها بشای دیسم دیوان دارم با بکاربردن آن وا ندریادی بروابید گرنت ؛

utt

دخانیت کی دربهتر می کرد برای نبات وگل کی خاری بدود.

لی در اف بعد به برات خاکر سیار را دور مزیز می وای ارا در قوطی و با جعبه ای بی کنید
وقتی خاکتر سیار د جبتی با فراده کانی جی آوری شد، آن را در قوطی بریز میر و چید تطره آب

برای بیزانید و محفوظ را بهم بزنید و بود آنرا بعنوالی کردیا ی افل و گی بی کرسیل دارید میزدی
میاشی جیزات د بربز می نبید ای توریت با مزاده ای بیرم است کی در بهال روزای منت

وز این خانه باید طریعة ساید روی و مرد جری را برز فراگیر مز رسی کنند سیم چیزی را بی معرف جی ارشد و بنیال آن که خلال چیر کایده ای ندارد در برزید: حرف آصل زون

مین وزنگها ت میس لازم اس آهار زده نود وایکار راعه با بان سه اینام میرهند ، میزی کداعث زنت خان ورآ فارز دن مینود ، با ، جبیدل باس بول سیاند - جد درانر بسی کدورن سه موجردات آهن گرم اط با رجد ای کد آغد. مدین ، ده نده سیسد .

برای رفع ای عیب ، کان است درن سد ای که برای آنار استال دینود یک کانی کل و ما ما که برای آنار استال دینود یک کانی کل و ما ما کند و وزن مزارد که آنرا ب سد فام دیا بیند بنزاشد و مع بوی ما هی

رسان مضل مبزی بل وه بی است خانها با بدستوم باشد که بر مزراکی را بوج ود بطرند وی تهد کنند تا یکواف بردها غذا باش از جار خاطر مردان نگردد. تا زه می هدشتن میه بیان سیکنیم : دو ساننیتران ساند ملی را در سوا به ورمیدان مین دران به بران شده مین دران به بران شده می بران به در سیس فررا آن را در فرت براز آب بگزار در دیوم می سازه این می سازه به بران شده بری وسید تا می می تازه بای فراه را در فاهراید و شاب می از می بران و اشد با شد بری وسید تا می می تازه بای فراه را در فراه را در شاب می شد در سیار شاب می در شاب می در سیار می در شاب می در ش

سی زن به بسیار فنک و فرشزه ای کدیر آدات در که بیرو و معرف میتو و ومورد ترجد کام ارباب دادی و معرف میتو و ومورد ترجد کام ارباب دادی و معید تر ارکر فده است ، بن لیترهای بر دنک رابا شونای و دوبری و منولا که منده استمال ای منوطه کندید ، سبی بره ب دلخوا ه کی کاره کاش موفوری هره انگور دان با فزانید استمال ای ترف بربی از سر دشدان با مینوان ب بار مطبری سبیار شد

سیمی از دریانی داب مثودان ، سیند خورآن میباشد و بدین جهت لازم ست با نوان بدی سیند ژب به تیزی میزول دارند د با روش ویرنامه سین این وظیفهم مؤد را انجام دهند ، ای دایی از آن که در آب مین کرد مید و مدتی گذشت تا سعد بی مثر و دیگر کان است اک را با با ترویا کارد تصد شطعه کرد دور شرخ کارند .

چیز کم دراینجا مرب آزارخانی میژو بری ابی است ، اگریژ برٹ ن نوا هد میران ناکم برخان بر می برت کنده است پیت برق نند والاردی برخان می بوست کنده است پیت مثر برخود بر هدوم برد تا نشر مزوج هدوم برد تا نشر آن راب پر آ اندکی بوی آن رفع نؤ و -

برای انهار طریق بسیار آسان راب با نوان با دمیرصیم کدمیان دسید و زای جد زون آموده میند شده آن عبارت و زاینت کدمقرارکی نانل کرسده ردی با رم ای بریزمد و تیدند کارد یا چاق را مید دنید آی درمیان آن بارم الش برهید دیری اهی بکلی مف میشود .

برای منه بری بیاز

تا ره نگاهداشان کلی

در الا ازم الد كلكارى درها شراخ كاسم كسيم ، ايك طبن بيارآمان بران

م مندي كور د صنكام راه روين از طرز مركب طريش فرستم نيام و تداند ز ما طرز راه ريس ودرا با زنده بن بوى ف الا عب مع درصرد عارد بولى براتم در ددى بى ردع در بركردك جدای برایل راه رمای را انظر زشت جود میرا و زیرا میمن این کرجاندای بلند مزرد دن برسندى ديرى كه ويمر در سكام مركت عيبى ورائزام باخت منيود ازان جهت بي ازان برسنا بهدا بالانام ابو نام شد به به ترك كليم زياب ازدر بركردن عدلى بلندون الدوار رادرز ورونوت شع .

عنود دو ورد مزور کے رور دیگر کم عرواب با مگرم میشم بیت سان یا ی واستم اتباً درازا ب منوازی برای مهم ما مدر کردم وجمعی ریدن آن نقیم گردم کرای آخری كرمك رام اراى مود برطرت مامنة وزيائ المام وجرك مزد راوز بمرصت كالى كال ور دور دربراون ای مرمنی کرمکردم تا ایکه راه تا راه بنظرم سیر و فریحانه دید مراور ایم بردوی از بی بردم مری ترت که میدی روزمهام سنس روی صدی وران ع المدما ي راست مزدرا ورددي على حب تكيد دا دم والافي درسي كمار اي على طل کنید کرمان راد مایی ایل راستم ازبن رفت وورتی سات و و فاملا با کرکم مكان ومادى كرديد واكون صلى ترمز فتم كرازا انتدام درمدت كوناهى بااي فرزاد دوعيوب ويك مدوندا برطون سافة وزيا في جره والمرام ودرا على يودهام. بالااي جمه بالوان ودومتر كان بايد مراشد كرسبت أوردن رنبالي عني سهوات المن وسيم الوسقال بردروانك والكور ناش مكه آراد شي ما ده وطبعي وترمون مدسی و ودواری از رکت کی ربال آور-

چگونه زیباشوم ؟ کی ازبازان زیبا ددانشمندشرج مختفری درزیرعنوان فرق درکی از کامه یا ی خایمی ذشته کدایک

ידני דט שונים שב ני

عجر رنبایدم ؟ این برسش ات که باسخ آن خیبی ساده ات و بسیمگرز دسواری و بسیمبرگی

يك دوزهم و فو درا دربرابرا ميد مكاه يكردم ديدم كريم كويز سرايد زبال ودلارال درجره ومرد ردم موجود است معط تن نعقی كدار عبث زبانى در صورت خود يا نسم اي مود كد د كام سن از المازة سرمی ک وسفارم رسید وبعلا وه بهای مز و را استبنا کلفت شاهده کردم از دمیران این دونعی وراندان مرورنع وتصبيم كرفهم كد برطور باره آنزا برطرت نموده وزيال إنهرة مؤورااز برهيت محمل المع فرمتمان بن ازم تمو وكا وش را و آن را يا فع وبرخ عيوب جره فردموفي مدّم مرك

اونا صفامی که در آن روز چره فزدرادر برابر آشیدت هده میکردم بابهادت بخبر دورا دباذال معداری زیاد ما مکب وردش عبهای مروزة امهای دهال عالیده بودم ولی ارمید الدي روم كدما فتي فاطبيس لب و والمم بي تناسب وزيت فيت بكد البرن وتك زياد دلم رامی ووبهام راکلفت جودگرمی زو زیرا بهای که دوت رو: از استهال ایک مزد دارن کردم لب و دل ان و درا بر سات روزها ن سبی می ما شناسب و انترسایراعها بمره ام زبا و متم با برای در اثر ای آراین دیمر آرایش به دلوم ارا برسید ایک ترك كرم وديال آن ارابراى زيان جروام وي دركروم. ولطيت مسيعا منز ، كيريث منظك وملامث اذبالابيا أي ونمناى تخفرى والثدة و مرج ، اللي ترسيايد الرك ترسيود .

النس عالا ويأين مرود .

عابد وقت مؤدكم معيث ومغيث معند مديد بهال طبيق برده وورشنيم بهن كمبدوب والا ۱۵۰ در میل شبیه خرج نارد . و مو ز زیبانی

--- ما صله صله براین یکی ازات رایانی ات که درنن آرایش مرطوعان دارد دهروت سرمع وشد وخردته ی کرامنها ن برا ن بادان میدهد کد اگرخانها آنه رابطار بنده سریا فی ودیک

اكتون والل وتست وش وا دارم وآني دو صليه هدرواند به سكو بدوانجام دهيد و بإذاك فرش سليمة كرمران زبائ مزوز ياوبير وروب لادست مي بريد ورنظ واسته باشد ا والطورا يكار كان بكل شارا زشت الواصرارد و نتيه بدى فوا هد كرونت سمى كمنيد ورادال مران برسای مزدنطه ای مزید که میران بدیر نو الدبود می از تست ای مریت کم مود تر بیشم مردم برت وردسی است ، ای عصنو فل منی که وروسط چروستا قرار دارداگر

ارساني خود را مغظاكنيد

يكان وشنى كدفانهاى جوال را صدمه زده و در انفا ربدشكل مى نايند نربى وجابى زيادات كدورتيم بى سالا ن ونشستن وركيسكان ركيدسيود .

خامها فی کدورتار فی بزرک زیرانی میکند اغلی با غزاره فای هوای صاب است آن نفوده و مقدار کان حرکت میکنند عذای معیمی نورده و برا د ادیدا که برای وجود بسیار لازم است دب بمبرنند از صع مع عردب ورخان فشهد وحق فاراى مناشرا بكلفت والدارمكت وجين باعث ميتود كه وجود آندازمال طبيعي خابع مثره والزام مناسب آن إرابدريف يعامر

نان بن من كم ما يل مجامرات وجود فود سبات بايد ايندو وسور زيرا وردنظ داسته آن أزاوش نكته إ

ا - ابد وست كنيدكم اللا وربوز با بذاره دوساعت راه رفية وعركان ما يدكم استوال كان آن راگرم کرده واعصاب آن ارا نرم کمند ولی باید مواظبت کرد ایند کات ار مد اهتدال بایا منود مهر موش که اعصاب حند رشد دن ایا برا ب دیده و ود ماجن ارمواق دن ای را

٢ - بايد دمت تاليد كرم يدرست وعفلات بازده منا صوكت يده ومن الاميق ومهران آ زاد بمشيد ، بول درمة من كثيدن مندسيدشا باز دبست شره وعفلات معده و معد سيدشا برك مياسد.

و على كمريشه ورعار بوده وسوات بالله برول كك منتك بوده وويت أى با روى آة وك

ررخی زیاد صویت

رای برطن کردن سری این برطن کردن سرخی زیاد صررت نادم است به گرم می زیزون را دم کرده سیسی صاف نافید وجدان آن که ختند سندیک زرده نخری با آن جوزه کسند دیاچی که بدیت میآید دریک سنیت سراسه برزید وبدید دیاگی از آن داروی صررت گیزادید و برای در ترت کرت بی تحقیق کلی در درخ زیاده درت سنا بسیا نزه است .

ا بیرو

- اگرمیواید ایرولی بربشی داشد باسد آن را با ران کرمیک تفتر وه دمان دید. بریدهی رتب

 آمیب مید وروسط چره بدستکل مزاجیرمند . برای نموند حربت دیانی ک ک رکد وکت آن جوشی رده با رشد در دنظ میاورید . وقتی که مرحنی من جوش هو میداگشت ، طررا و رصده علت آن برآئید اما براید که مبرد قتل از برخیرالا مراست . بهتری طوی رفت مرحنی زشته مین مشتن آن باآب گره ببیشت وجوش ما با اثر والکل کامغره باید از بین برو .

۱۱ مهتری چبری داکد میزاییم بدنا ز صید کسنیم سی در تشیر نزادن سلی سبی سبیامتد، بیرسته این عصرات کدعبز ان آنرا برک مزد، د کاملاً ملعبی جره گرستود .

> نزی پوت مذ

سسسه مغنی امدن که مبتوایم برای بزی پرست صریت به بیم ایست که بگوی : حراز صوعت و درا بام برن انده نید ، در نیفه موادی که در آن دیا ررد به بنره بوست منا آسیب می بیند مزیت اگرمانه، بزبانی مزد علامه تمدند بهای صابوی سبوس استوال کونند ، زیراسیوس میلی بیر از مابون صورت را یک میناید وبعده و زیان بیوست نیرما بد ، در موق تابیتا بی بز آب منیار ی زه در بزی بشره مینیر زیادی وارد

41

آرایش صورت

اغلب از بایوان برای آگه صورت خود را آزایش دا ده و بروجاهت آن مینرا بدند خانست آن راخزاب ترکرده و بکه کرم و بدشفار بنا شد .

برای آگذفانی بتراند صورت خود را کایا دار طبیعی دفتک آدایش دهد باید معاب زیردادر خاطرداشته باشد

۱ - اكرمسورت شامترى گرفت وارودايره ماشد بارشد با بدومت خود كهرخاب را نزديك به شنيد الماليده ونزديك بيني واطرات دان البدميه اگر بر ملات اين على نا ثيد صومت منا به تركيب ميشو و .

٢ - أكر برعكى صربت سناكتيره والإغربات الدرخاب راعتى الاسكان ودزيرميني

مه - کرمینیان شااز مدسم ل و ته شرات ساید مرکی طودرا طوری ترنیب و سیدکه کامل مدی میشان شا دا بگیرد بلکه یا بد حتی الاسکان می کنید مرای خردرا بعلون بالا روه و بیتان فرادرا می مین مین کنید مرای خرد و بالا روه و بیتان فرادرا می یان مازید و بالد حتی مین باید شره ا دارید تین را زیاد سیاه فائید حبر سیایی میشم ا و نیز می میشم باید شره اید مین مین ما مرورشه میزین باید

ع - الرسنى سااد مداخاده وداد تربار شد با بدلبان مز درا طورى مرزكسيد كربر درازى سنى من سازايد بكدبايد كربر درازى سنى من سازايد بكدبايد ببان مز درا مدرى كلفت تر از آن مد م كربت ورز مزده و زرير مبوه دمد به

ليوترش

مدسنزده وم مريت ع رانفك نكا ميارد

ای جیل مرا آزا داند بروی منانه کارتیت وافتصر فری مروی آن برسند .

ورسال ركات بير ترش مند ترين آن بن ررشة وعلاده برآيك براى وجود بسيار تاف است برست بدل راير كاظ مزم ولطيت ميامد .

٥ - اگرمولى شالمند ومزم است نامع آئة را يالازده و در روى مرفو د يحكنيد م در

وي صمت جره رازت موه گرمامنة وكردن راازمد معول دراز ترمنیا یاند با بددت مود

و - معندس كنيد كرسواره كى بررك راز كوش عود دورك يدم مكن ات نتي مكى محنية

جره دادزیان بسداز دبرمکس از گوستو ارولی کومتنی جوشی عزد آویزال تعدیم لوش ستا را

وزهرت دیگر بعری تریش برجود وصبت ان ای کاهلا حذمت کرده از منب شدن وسیمه مندن شری از میم به مندن شری برگری کرده . ن رموان را با بین ۴ درده و کشافات مؤل را زائی بنو ده و ما فورشهای تلوه و کبد را از بری میرد و اگر بلوی شا دردگرفت فوری لیمورا ور ۱۳ ب میخد و قرزه کسیند و در دکلوی ستابر از من میرد و اگر بر وردش رو را زویا و رفت میری آب ایم سوستید و برای که آب ایم سروروش را نسین مرا دورد گرسته از جرای به بیرترش در غذا بز کاها مصرت شده و برای معده معیند رسی قرمتها است

در بریال هداسب مزابی بوست آن میشود وزیبانی دست را در بین میبرد ، شعد بیست دست را بهیشر باید در نظر داشت واگر دست داشت بود ، و با ایک سرانی میک دسیر اسند از دارد دا زیربن است ده نائید ب

> وازاین ۱۵ گرم بارایش و ۱۵ دد روشن وام شری ۱۹۰ ده

المان ويمان كريواهما والماركيب كسد.

ردنای دوت مرمنه از دامدی بالا بهرت بالید و با نداره که دنید دست راروی آت ش نکاه دارید تاخرب در برست دست منود کرند اسال دادان درس با اود کان وردغن بادام بزرمدیداست .

ورزبان دست میزدیری که دخالت کلی دارد ناطب است اکنون که جد با وان علامة عاص بلند نافیان نافن داشد و رک کردن آن کیزمورد وجه آنهاست با ید فرق العاده در یا نیزی آن اکوشیده وی الاملان آن رایات نگاهداریده

میزان در دکر این کمت مزد دار کر ملکه به رنگ کمی نافن دارای موادستی برده واز نظر بهرات رباق بنش در داخل بهرات رباق بنش در داخل موانشه و مندرستی باشن این مواد داخل موانشه و مندرستی مثنی را دی رف طره کا مد .

وستباى ستما ؟

to the contracting a paragraph

بدول تک بعدو مصرما ؟ ازان علاقت زبادی بربیانی دست ی طرو دارندومیل دار بذکر بعیث دست یا باک وزبیا باشد ،

ول مرن دست بش ارتاع اعضاى النان فارسكند رودكشیت مدو در نینم الای را دی مشکی مؤدرا از دست مبدهد .

مران درمهابل سراد گرما وجر مان شد مدهوا واق شود رنگ آن نند کرده وپوستنی منک سترا و اعلب دراینرم و دید آدب درگرا گردی میکند ۰

بوی انوان که روز این ارز باد و وستف بازیاد کار سکند بهتری طرب برای مفاطت وست از ایم برای مفاطت وست از ایم رز به بی آ رد کا و مفظ زبائی آن این است که حتی واباسکا آن در موقع کاروست رابر شاخد و برسید و مشکل می مفرص آن را موز فل وار شدش با نوان برست ربیا رستان با منا باید و رای در مشکل با فرون برست ربیا رستان با منا باید در ای در برای این باید در کا ربی ای برون باید و در ا منف کنید تا بم زبان آن فراید نود و در ا منف کنید تا بم زبان آن فراید نود و در ا منف کنید تا بم زبان آن فراید نود و در ا در نوان که برداشت رمایت مور آن را کرده باشد

بزركزي آن وت هواى عساعدات مصومة دراي نفي نمتاك بايد فرق العادوم الم

سرا زدگی دست که اعلب میب جراحت کی شدید سینود مزق ادم ده رایان آکر برده واز می ظه بهدشت نیز مزب نمیت زیراسکروب ای اینشده و انها مؤل مده و جراحت ای وگران را بب میزد به انظور م تحربه با هواشت میب برد مؤ دکی اینود به نظور به ترار داد ل دست مردورتم است دست ى سنا يز مورونظ بوده و جلب وتصميا مد

ه الترميل ميروري

سن اما وه ديكلي زيال وستمنا راازين فرا هديرد

درانیر راخن باید دوامل رابرای زبانی رعایت کرد کمی ایکد ناخن را فزق الدو میگذارید بلندسود نا اسباب زورت بوده دیکند زبرا نککنن ماخن مشکی سایره نافنه را بزانهن میرو جهمیورمبوج

سيتو ميكه ناخناى ديكر رايز بهال الزازه تطع كسيد .

دیگر ایک رک ناخل دا زیاد بر رک نزده بکله فرق الماده کرک باشد آا زصورت طبیعی خارج ان و میک کی سرخ آنش وناینی کداعلب بازان نیاخل کی مزدمیا دیز حنیلی زشت و برترکیب است مزیرا به ورنفل اول مزا هنده مینیدکد این رکت مطبوعی است .

وصل سم آرایش این است که مود را طوری جوه دهد که کسی نقش نماید که این آرایش نظی است بکته طوری رها بت اهداله و هنظ نیان را ما بین که اید ای کشی ملتنت این موضوع کنود.

اعلب سرخی نافندی با نوان از دورسش اریم رجز جب وجر رامیکند والبته این طوز مونب بن راه نکند درا را این در در و مرد رسط را از وست را میکند درا را این و در ساز و ست و با صورت بایدسی کرد که زیاد افزا طافته و محرور مط را از وست من من من در بر این در در از در ده منده و طرا وست مرا از دست میر جر.

در بری سرست بات دست آزره مده منده و طرا وست مرد را از دست میر جر.

مرد بری سرست بات دست آزره منده و طرا وست مرد را از دست میر جر.

مرد بری مند من مندوی دم بداز ما برده اغلب خرب بنوده و دارای مواد زیان آوری میسامشد و میرن برن مند برن افزات ما برن از دست باید به زا فرب مشت آذرات ما برن از دست یک مرد و دارای و داردی با جرست کا که ده و دارای و داردی به برن مورت باید به ترا مور در از از طر بری این را یک مورد .

بای ترجب مرتا مید دست که درد را را اظرت کرده و آن دا دیا ها هدارید جلافار که براین صورت بای ترجب مرتا مید دست که در از اظرت کرده و آن دا دیا ها هدارید جلافار که براین صورت باید برا این مورت

زيا ئى رسلاسى

الزال بواره باید مین از دیگران راعات قراعدو دستورای بهداشی را بناید زیرا وجود است اطبعیا ظرف طاق شده ات و بدینیت با افتصر بی اعتمانی و مدم توجی مکن است بزیبان سانان الطهر بزرگی

وطران وزان کرملی سکنند از وجاعت بن بهره بهستند باید بکنی اینکررااز سر بدر کرده ولیتن داشد باشید اگر داعات دستر رهای بهداشتی را بها بیند در حقیقت زیبا مزا صدت ، په وجعت و وزیکلی نیز دانتی داغتی داشتی داشتی جنان درشه و دبیای عنایی نیت بکد کسی زیبا ست که زاجی سالم واندای شاسب داشد باشد .

فرد مرف فاسد . وكنون بعنى وستردهاى ولى واتها ن داكه بيكى بايد مرد ويد قرار دهوش

یی در عوالی که در بر مردی کل عوای نابودشان شادهای رندگان تاثیر وق اهد ده ای دارد مند مند به واکل رسیده فانی ب مند با دال جرا زود یج دوه و رفت غب دارند به فرناهای مناز دید به این عقیره را برد کلفیل کمند که برای ادامه جوان بادم است مناز دید نور و رفت غب دارند به فرنا با به این عقیره را برد کلفیل کمند که برای ادامه جوان بادم است زنان را ب غصه و با دیره فرش بری گدران و فرن بای شنه چراخ مزدان است که راه معاوت را برای برگی بریش و دارند باشد مرکوی و ها و ساق دارند باشد و دارند باشد و بری بریش باید برد و در فریم بای دارند باشد و دارند باشد و برای منفط صف بدن بری بری برد در است و است و داشت و است و است و داشت و است و داشت و است و داشت و است و داشت و است در مرد کان بر طون بر مرد کان برطون برطون برد که برد کی برد که مناز می برطون برطون برد که که در در سال مود بوده و است و بی منظور که گفتیم برای برطون





